

## مقایسه افسردگی، استرس، اضطراب، کمرویی، پرخاشگری و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان پسر تک والد و دو والد

علی امینی<sup>۱</sup>، کامران خدادادی<sup>۲</sup>، علی زکی یی<sup>۳</sup>، الهیوردی حسین زاده<sup>۴</sup>

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف مقایسه افسردگی، استرس، اضطراب، کمرویی، پرخاشگری و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان تک والد و دو والد انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانش آموزان پسر دوره دبیرستانی شهر کرمانشاه بود که از میان آنها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای نمونه‌ای به حجم ۱۹۰ نفر انتخاب شد و پرسش نامه‌های پژوهش در اختیار آنان قرار گرفت. از میان آنها ۱۸۴ نفر پرسش نامه‌ها را تکمیل کردند و همین تعداد مورد بررسی قرار گرفت. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای مقیاس استرس، افسردگی، اضطراب (DAS)، پرسش نامه کمرویی جیک و باس و پرسش نامه پرخاشگری (AGO) استفاده شد. طرح پژوهش توصیفی از نوع مقایسه‌ای بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آماری میانگین، انحراف استاندارد و  $t$  گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که میانگین پیشرفت تحصیلی، افسردگی، استرس و کمرویی در گروه دانش آموزان تک والد و دانش آموزان دو والد تفاوت معناداری دارد، اما اضطراب و پرخاشگری در بین آن‌ها تفاوت معناداری نداشت. از یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که محرومیت وجود یکی از والدین در سلامت روان و پیشرفت تحصیلی فرزندان اثرات منفی دارد.

**کلید واژه‌ها:** پیشرفت تحصیلی، افسردگی، استرس، پرخاشگری

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه علوم تربیتی، رودهن، ایران

۲. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه روانشناسی، رودهن، ایران

۳. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه رازی کرمان

۴. دانشگاه آزاد اسلامی واحد میاندوآب، گروه علوم تربیتی، میاندوآب، ایران

خانواده یکی از محوری ترین محیط‌های تربیتی است که در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی فرد نقش بسزایی دارد. شرایط روانی خانواده مانند روابط عاطفی والدین نسبت به فرزندان، فرزندان نسبت به یکدیگر و والدین نسبت به هم در ایجاد سازگاری و سلامت روانی، رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت و موفقیت تحصیلی و شغلی فرزندان نقش تسهیل کننده یا بازدارنده دارد. در این سامانه تربیتی، والدین نقش اساسی و سرنوشت سازی در زندگی فرزندان دارند و فقدان و غیبت هر یک از آنها اثری مخرب بر فرزندان و خانواده میگذارد. در این زمانی گاهی بر نقش مادر تاکید بسیار شده است؛ در حالی که اخیراً اهمیت نقش پدر نیز شناخته شده است (کرامتی و همکاران، ۱۳۸۴).

فرزندان در سنین مختلف در حدی و به نوعی نیاز به حضور و همراهی والدین خود دارند. الگوپذیری کودکان اولین بار از پدر و مادر آغاز می‌شود و به پذیرش این الگوها و نقش‌ها مشکلاتی پدید می‌آید و در نتیجه فرآیند همسان سازی و هویت یابی آنان دچار اختلال می‌شود. به علاوه نبود پدر یا مادر هر یک مسایلی را ایجاد می‌کند. معمولاً مشکلات اقتصادی بیشتر با فقدان پدر و ناراحتی‌های عاطفی-روانی در حد زیادتری با نبود مادر ارتباط دارد. از طرف دیگر فشار اداری زندگی در زمینه‌های مختلف در خانواده‌های تک والدی بر دوش یک نفر است و اجباراً بخشی از این فشارها به فرزندان منتقل می‌شود و آنان را آسیب پذیرتر می‌سازد میزان آسیب پذیری فرزندان در خانواده‌های تک والدی تا حدی بستگی به علت عدم حضور پدر یا مادر دارد. در این زمینه جدایی والدین از یکدیگر (طلاق) آسیب پذیری بیشتری را برای فرزندان به همراه دارد (ایگ و دیگران، ۱۳۸۷). خانواده یکی از عوامل مؤثر بر رفتار افراد می‌باشد. کودک از بدو تولد خصوصیات را از والدین خود به ارث می‌برد و زمینه‌های رشد او فراهم می‌شود. نفوذ والدین در کودکان، تنها جنبه ارثی و وراثتی ندارد، بلکه درآشنایی کودک با زندگی اجتماعی و فرهنگ پذیری وی، خانواده و والدین نقش مؤثری دارند. ساختار و شکل خانواده‌ها، نحوه ارتباط اعضای هر خانواده با یکدیگر و جامعه ای که خانواده در آن زندگی می‌کند، در بیشتر موارد همسانی ندارد، بنابراین رفتار و تأثیر خانواده‌ها در افراد متفاوت است. در خانواده است که کودک نحوه رفتار و روابط صمیمانه با دیگران را می‌آموزد و کلاً این خانواده است که در تکوین و شکل گیری شخصیت کودک، اثرات بسیار اساسی و مهمی دارد. اهمیت شناخت نقش خانواده به عنوان نهادی که مفهوم پدری و مادری نخستین بار از آنجا نشأت می‌گیرد و بستر تأثیر پدر و مادر بر فرزندان را فراهم می‌نماید، مهم و اساسی است (شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۸۰). امروزه یکی از مسائل دامن گیر جامعه و به خصوص آموزش و پرورش وجود دانش آموزانی است که به هر دلیل دچار محرومیت یکی از والدین هستند. محرومیت از پدر یا مادر یکی از شرایط خاص خانوادگی است که به عنوان یک متغیر مهم محیطی به طور مستقیم و غیر مستقیم می‌تواند اثرات ویژه ای بر روی رشد عمومی و ابعاد مختلف رفتار کودک به خصوص در زمینه سلامت روانی، جسمانی و عملکرد تحصیلی داشته

باشد. تأثیر غیبت پدر یا مادر بر مشکلات دوران کودکی اهمیت ویژه ای دارد. در گذشته پدر اساساً از نظر نقشی که در تأمین نیازهای خانواده داشت، به عنوان منبع معاش و روزی رسان مطرح بود و مسئولیت مراقبت و تربیت کودکان به عهده مادر گذاشته می‌شد. در سالهای اخیر برخی از فرضیه‌هایی که راجع به نقش پدر در پرورش کودک قدمت طولانی داشتند، دچار تغییر و تحول شده‌اند (مجتهد زاده و نیسی، ۱۳۸۸). بررسی‌های انجام شده در زمینه نقش پدر، حاکی از آن است که واکنش کودک نسبت به حضور و غیبت پدر نیز مانند واکنش او در برابر حضور و غیبت مادر است، با این تفاوت که وابستگی به پدر کندتر شکل می‌گیرد (چاک<sup>۱</sup>، ۱۹۷۶). به نظر میرسد که نبود ارتباط مهم ناشی از مرگ، هم از نظر سلامت جسمی (ویولا<sup>۲</sup>، ۱۹۶۸، ریس<sup>۳</sup> و لوتینکس<sup>۴</sup>، ۱۹۷۶) و هم از نظر سلامت روانی (پارک<sup>۵</sup>، ۱۹۶۳) آثار منفی گسترده‌ای در پی خواهد داشت (نقل از مکوندی و همکاران، ۱۳۷۵). کودکانی که فقط با مادرشان زندگی می‌کنند و با فقر و غیبت پدر مواجهند، بیش از بچه‌هایی که پدر و مادر در کنارشان هستند، افت تحصیلی دارند، از مدرسه اخراج می‌شوند، دست به بزهکاری کودکانه می‌زنند، مواد مخدر مصرف می‌کنند و مرتکب جرائم بزرگسالان می‌شوند. لذا سلامت جسمی و روانی کودک در معرض خطر است و رفتن کودک به مدرسه و بازگشت وی از آن، به یک ماجرای پر درد سر تبدیل شده است. فقر و غیبت پدر، چنین تأثیراتی را بر زندگی کودک می‌گذارد (برک، ۱۳۸۸).

تأثیر نبودن مادر و پدر با یکدیگر متفاوت است. در سنین خردسالی نبودن مادر مشکلات فراوانی را برای کودک فراهم می‌آورد؛ به عبارت دیگر کودک کانون مهر و محبت خود را از دست می‌دهد؛ در حالی که از دست رفتن پدر در سال‌های نوجوانی و جوانی اهمیت پیدا می‌کند (به‌یر و استافورد، ۱۳۷۷). آسیب‌شناسی فرضیه مادر سالاری که از گزارش مونیهان<sup>۶</sup> به دست آمده نشان می‌دهد که عدم حضور پدر (غیبت پدر) برای کودکان به ویژه برای پسران بسیار مخرب است، زیرا مفهوم آن، این است که کودکان فاقد منابع مالی، الگوی نقشی، انضباط، ساختار و راهنمایی پدر خواهند بود (بیبلارز<sup>۷</sup> و رفتری<sup>۸</sup>، ۱۹۹۴). لوتیسواورین (۱۹۸۷) خاطر نشان می‌سازد که امروزه عقیده بر این است که پدران در مقایسه با ذهنیات و فرضیه‌های گذشته نقش‌های متفاوتی را در پرورش و مراقبت کودکان ایفا می‌کنند. به‌طور کلی این امر پذیرفته شده است که رشد شخصیت با جنبه‌های قوی و ضعف‌های شبه شدت توسط والدین متأثر می‌شود و غیبت یکی از این دو یا هر دو اثر نامطلوبی بر رشد شخصیت داشته و شخص را مستعد بیماری‌های روانی یا مشکلات رفتاری بعدی می‌سازد. مطالعات نشان داده

1. Chak
2. Wivla
3. Riss
4. Lutkins
5. Parkis
6. Moynihan
7. Biblarz
8. Raftery

است که کودکان در مقایسه با بزرگسالان ظرفیت کمتری برای سازگاری و مواجهه با غیبت مانند مرگ یک والدین دارند. موقعیت‌های فشار زا می‌تواند منجر به وابستگی شدید این کودکان گردد. فقدان یکی از والدین در سنین اولیه می‌تواند کودکان را نسبت به افسردگی ناشی از حوادث فشارزای در گذشته آسیب پذیر سازد. کرم و همکاران (۱۹۹۵) در بررسی طولی از ۱۹۷ دانش آموزان پایه چهارم، مشاهده کردند، میزان پرخاشگری در پسران خانواده‌های یکه با تک والد زندگی می‌کنند، بیش از خانواده‌های دو والدی است. کاسن، کوهن، بروک و هارمارک (۱۹۹۶) در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که کودکانی که با تک والد زندگی می‌کنند، در مقایسه با کودکانی که با هر دو والد زندگی می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که افسردگی و اختلالات اضطراب داشته باشند. برخی از مطالعات نشان داده است که به طور قطع، کودکانی که در خانواده‌های تک والدی (با مادر) زندگی میکنند، نمرات پایین تری نسبت به همتایان خود در خانواده‌های دو والدی، کسب می‌کنند (ماریسون<sup>۱</sup>، چرلین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵، اینتوایزل<sup>۳</sup>، الکساندر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵، النگ<sup>۵</sup>، زاگرسکی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱، آگینباخ<sup>۷</sup>، پیریت<sup>۸</sup>، راتیستین<sup>۹</sup>، ۲۰۰۱)؛ (کرامتی و همکاران، ۱۳۸۴). با کنترل سن، جنس و پایه کلاس، دانش‌آموزان دبیرستانی که در خانواده‌های تک والدی زندگی می‌کردند، نمرات آن‌ها در حدود ۱/۳ انحراف استاندارد در آزمون‌های ریاضیات و علوم پایین تر از دانش آموزانی بود که در خانواده‌های دو والدی زندگی میکردند (پانگ<sup>۱۰</sup>، دونکرس<sup>۱۱</sup>، همپون<sup>۱۲</sup>، تامپسون<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۲). اگرچه کودکانی که دارای پدر خوانده بودند، نمرات آن‌ها بالاتر از دیگر بچه‌های خانواده‌های تک والدی بود، در حالی که نمرات آن‌ها نیز بیش از ۱/۴ انحراف استاندارد پایین تر از نمرات کودکانی بود که با دو والد زندگی میکردند (به نقل از تامپسون، هانسون، مکلاهان<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۴) یکی از عواملی که در ایجاد کمروبی تاثیر دارد، خانواده است که به شکل‌های گوناگون می‌تواند موثر واقع شود (امیدوار، ۱۳۸۹)، در درون خانواده عواملی همچون جدایی یا طلاق والدین در ایجاد یا تشدید کمروبی تاثیر گذار است (چارتیر<sup>۱۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۱) بنابراین با توجه به اهمیت موضوع این پژوهش با هدف مقایسه ی افسردگی، استرس، اضطراب، کمروبی،

- 
1. Marison
  2. Cherlin
  3. Entowisel
  4. Aleksander
  5. Long
  6. Zagroski
  7. Aginbakh
  8. Perit
  9. Ratistin
  10. Pang
  11. Donkrs
  12. Hampon
  13. Tampson
  14. Mclahan.
  15. Chartir

پرخاشگری و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان تک والد و دو والد انجام شد.

### روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع مقایسه ای است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آماری میانگین، انحراف استاندارد و  $t$  گروه‌های مستقل استفاده شد.

### جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانش آموزان پسر دوره دبیرستان شهر کرمانشاه بود که از میان آنها به روش نمونه گیری خوش‌های نمونه ای به حجم ۱۹۰ نفر انتخاب شد و پرسش‌نامه‌های پژوهش در اختیار آنان قرار گرفت که از میان آنها ۱۸۴ نفر پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کردند و همین تعداد مورد بررسی قرار گرفت.

### ابزار پژوهش

برای گردآوری داده‌ها از ابزار زیر استفاده شد:

۱- مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس (DASS): این پرسش‌نامه ۲۱ سوال دارد. آنتونی و همکاران (۱۹۹۸) مقیاس مذکور را مورد تحلیل عاملی قرار دادند که نتایج حاکی از وجود ۳ عامل بود. ضریب آلفا برای این عوامل به ترتیب ۰/۹۷، ۰/۹۲، ۰/۹۵ بود. این پرسش‌نامه توسط سامانی و جوکار (۱۳۸۶) مورد بررسی قرار گرفت که اعتبار بازآزمایی آن برای مقیاس افسردگی، اضطراب، استرس به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۶، ۰/۷۷ بود و آلفا به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۴، ۰/۷۸ بود.

۲- پرسش‌نامه کمروبی چیک و باس (مقیاس تجدید نظر شده): این پرسش‌نامه شامل ۱۴ سوال بود که به صورت مقیاس ۵ نقطه‌ای است (۱- خیلی مخالف، ۲- مخالف، ۳- بی تفاوت، ۴- موافق، ۵- خیلی موافق). ثبات درونی آزمون ۰/۹۴ (ملیکیور و چیک، ۱۹۹۰) و ۰/۹۲ (چیک و کراسنوپروا، ۱۹۹۹) گزارش شده است.

۳- پرسش‌نامه پرخاشگری: پرسش‌نامه پرخاشگری (AGO) که مشتمل بر ۳۰ ماده است که ۱۴ ماده آن عامل خشم و ۸ ماده آن عامل تهاجم و ۸ ماده آن عامل کینه توزی را می‌سنجد. این مقیاس خود گزارش دهی مواد کاغذی است و آزمودنی به یکی از چهارگزینه هرگز، بندرت، گاهی اوقات و همیشه پاسخ گفته و برای هر یک از ۴ ماده گزینه مذکور به ترتیب مقادیر ۱، ۲، ۳ در نظر گرفته می‌شود و به جز ماده ۱۸ که بار عاملی منفی دارد، جهت نمره گذاری در آن معکوس است. نمره کلی این پرسش‌نامه از صفر تا ۹۰ با جمع نمرات سؤال‌ها به دست می‌آید. افرادی که در این مقیاس نمره آنان از میانگین کمتر است، پرخاشگری پایینی خواهند داشت.

۴- معدل دانش آموزان به عنوان پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد.

## یافته‌ها

نتایج داده‌ها نشان می‌دهد که میانگین سنی نمونه مورد بررسی ۱۵/۲۲ است. از ۱۸۴ نفر حجم نمونه ۸۵ نفر را دانش‌آموزان تک والد و ۹۹ نفر دانش‌آموزان دو والد بودند. میانگین پیشرفت تحصیلی (معدل) در کل نمونه مورد بررسی ۱۵/۷۴ بود. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد بررسی در جدول شماره یک آمده است.

جدول ۱) میانگین و انحراف استاندارد متغیرها در نمونه مورد بررسی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
سن	۱۵/۲۲	۱/۵۰
معدل	۱۵/۷۴	۱/۸۶
افسردگی	۷/۳۰	۴/۹۵
اضطراب	۶/۵۰	۴/۵۵
استرس	۸/۲۸	۴/۱۲
کمروبی	۳۲/۵۷	۱۰/۰۱
پرخاشگری	۴۵/۴۶	۱۲/۸۴

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان تک والد تفاوت معناداری با دانش‌آموزان دو والد دارد؛ یعنی میزان پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزانی که با پدر و مادر هر دو زندگی میکنند، از دانش‌آموزانی که با یکی از والدین زندگی می‌کنند، بیشتر است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که میزان افسردگی، استرس و کمروبی در دانش‌آموزان تک والد تفاوت معناداری با دانش‌آموزان دو والد دارد، یعنی میزان افسردگی، استرس و کمروبی در دانش‌آموزان تک والد از دانش‌آموزان دو والد بیشتر است. اما در میزان پرخاشگری و اضطراب تفاوت معناداری مشاهده نشد ( $P > 0,05$ ). مقایسه و میزان میانگینهای دو گروه در جدول شماره دو آمده است.

جدول ۲) مقایسه میانگین‌های دو گروه (دانش آموزان تک والد و دو والد)

نوع سرپرستی	میانگین	انحراف استاندارد	t	سطح معنیداری
معدل تک والد	۱۵/۲۵	۱/۶۴		
دو والد	۱۶/۱۶	۱/۹۵	-۳/۳۹	۰/۰۰۱
افسردگی تک والد	۸/۶۹	۴/۸۹		
دو والد	۶/۱۱	۴/۷۱	۳/۶۴	۰/۰۰
اضطراب تک والد	۷/۰۴	۵/۱۳		
دو والد	۶/۰۳	۳/۹۵	۱/۴۸	۰/۱۳
استرس تک والد	۱۰/۰۷	۳/۸		
دو والد	۶/۷۵	۳/۷۸	۵/۹۰	۰/۰۰
کمرویی تک والد	۳۵/۶۵	۱۱/۱۲		
دو والد	۲۹/۹۱	۸/۱۰	۳/۹۴	۰/۰۰
پرخاشگری تک والد	۴۳/۷۵	۱۳/۸۵		
دو والد	۴۶/۹۳	۱۱/۷۸	-۱/۶۸	۰/۰۹

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مقایسه افسردگی، استرس، اضطراب، کمرویی، پرخاشگری و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان تک والد و دو والد انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که میزان افسردگی و استرس دانش آموزان تک والد از دانش آموزان دو والد بیشتر است. تحقیقات بسیاری نشان داده اند که احتمال بروز علائم افسردگی در کودکانی که یک یاز والدین خود را از دست داده اند، قابل ملاحظه است، وقتی کودکانی که از لحاظ سرشتی بد قلق و دشوار هستند، با رویدادهای زندگی استرس آور مواجه می‌شوند، مشکلات آنها دو چندان می‌شود. در مقابل، کودکان بی دردسر و راحت، با ناملایمات زندگی بهتر کنار می‌آیند. دخترها گاهی با درونی کردن واکنش‌ها، نظیر گریه کردن، سرزنش خود و کناره گیری پاسخ می‌دهند. آنها غالباً توقع دارند که بیشتر مورد توجه قرار بگیرند؛ اما در خانواده‌هایی که مادر سرپرستی را بر عهده دارد، پسرها مشکلات سازگاری جدی تری را تجربه می‌کنند. تعامل قهری مادر- کودک و رفتار تکانشی و گستاخانه پسرها، در خانواده‌های تک والدی شایع هستند. اکثر تحقیقاتی که در موضوع خانواده‌های تک والدی است، بر تأثیرات منفی عدم حضور پدر تأکید می‌کند و بیشتر در مورد پیامدهای منفی وضعیت نامطلوب اقتصادی بر روی کودکانی است که دور از پدرشان زندگی می‌کنند. این تحقیقات تأکید می‌کند که باید مطالعات تطبیقی در مورد تأثیر زندگی

فقیرانه بر روی خانواده‌های تک والد و خانواده‌های دو والد انجام شود. پژوهشگران معتقدند که زیان فقدان پدر در خانواده‌های تک والدی که زن سرپرست آن است، تنها از دست دادن درآمد مرد نیست. پدرانی که همسرشان را طلاق داده اند، از تأمین معاش فرزندان خود دست می‌کشند و مادران را وامی دارند تا تمام بار مالی خانواده، اعم از خود و فرزندان را برعهده بگیرند، در نتیجه فشار اقتصادی باعث می‌شود که این مادران فرصت کمتری برای مراقبت از کودکان خود داشته باشند؛ یعنی در واقع فرزندان از حضور هر دو والد محروم می‌شوند. نتیجه پژوهش حاضر در مورد افسردگی با یافته‌های پژوهش کاس و همکاران (۱۹۹۶) همخوانی دارد.

تحقیقات بسیار زیاد سال‌های اخیر در مورد خانواده‌های تک والدی (به ویژه مادران مجرد و خانواده‌های طلاق) نشان می‌دهد که اثرات این پدیده می‌تواند بسیار پایدار و مدت دار باشد. پس از تعدیل سایر عوامل و متغیرها مشخص گردید بچه‌هایی که تنها با یک والد زندگی می‌کنند، نسبت به بچه‌هایی که با دو والد زندگی می‌کنند، دو برابر بیشتر مبتلا به بیماری‌های روحی و روانی هستند. آن‌ها همچنین در مورد احتمال خودکشی و بیماری‌های مربوط به مشروبات الکلی دو برابر بیشتر در معرض خطر هستند. خطر ابتلا به استفاده از مواد مخدر در بین دختران خانواده‌های تک والد، سه برابر پسران در این خانواده‌ها است. پسران در خانواده‌های تک والدی نسبت به دختران بیشتر در معرض مشکلات روحی- روانی و مسائل مربوط به مواد مخدر هستند، همچنین به دلایل مختلف، مرگ و میر در ایشان بیشتر است. بسیاری از مسائل مربوط به مشروبات الکلی و مواد مخدر در میان خانواده‌های تک والدی، بدین سبب است که سطح نظارت و رسیدگی به این کودکان نسبت به دیگران بسیار کمتر است. معمولاً والدین مجرد به جهت فقدان پشتیبان و حامی برای ادامه حیات خود و خانواده خود، غرق در کار و تلاش هستند. این وضعیت موجب می‌شود که مراقبت و نظارت کمتری بر کودکان خود داشته باشند.

نتایج پژوهش نشان داد که میزان اضطراب در دانش آموزان تک والد و دو والد تفاوت معناداری ندارد، این یافته پژوهش با یافته‌های پژوهش کاس و همکاران (۱۹۹۶) ناهمخوان است.

بسیاری از پژوهش‌های انجام گرفته تأکید دارند که پرخاشگری در کودکان تک والد بیشتر است؛ اما یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که تفاوت معناداری در بین دو گروه وجود ندارد. این یافته پژوهش با یافته‌های کرمین و همکاران (۱۹۹۵) ناهمخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که از آنجایی که نمونه مورد بررسی را دانش آموزان پسر دوره دبیرستان تشکیل می‌دادند و در این سن تقریباً بسیاری از رفتارهای اجتماعی تحت تأثیر گروه همسالان قرار دارد، بنابراین تک والدی توانسته به عنوان یک متغیر موثر عمل کند و پرخاشگری تحت تأثیر عوامل اجتماعی، رسانه‌ها و گروه همسالان قرار گرفته است.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تک والد به شکل معناداری از دانش آموزان دو والد کمتر است. این یافته با نتایج پژوهش مک لاناها و ساندفوز (۱۹۹۴) همخوانی دارد. و نیز نتایج



نشان داد که میزان کمرویی در دو گروه تفاوت معناداری دارد. چارتیر (و همکاران ۲۰۰۲) معتقدند که جدایی و یا غیبت یکی از والدین به تشدید و یا حتی ایجاد کمرویی کمک میکند. از یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که محرومیت وجود یکی از والدین در سلامت روان و پیشرفت تحصیلی فرزندان اثرات منفی دارد. بنابراین مسئولان آموزشی باید این نکته را مورد توجه داشته باشند. اما در مورد تعمیم یافته‌های پژوهش به سایر جوامع باید با احتیاط عمل کرد؛ زیرا که جامعه آماری پژوهش دانش آموزان پسر دوره دبیرستان بود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این متغیرها در هر دو جنس و در سنین پایین تر نیز مورد بررسی قرار گیرد.

## منابع

- امیدوار، احمد. (۱۳۸۹). روان شناسی کمرویی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ایگ، فرانسیس و دیگران. (۱۳۸۷). رفتار کودک، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران، انتشارات شباهنگ.
- به ی، چری و استافورد، لورا. (۱۳۷۷). تعامل والدین و کودکان، ترجمه محمد دهگانپور و مهرداد خرازچی، تهران، انتشارات رشد.
- شفیع آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا (۱۳۸۰). نظریه‌های مشاوره و روان درمانی. تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- کرامتی، هادی و همکاران، (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه کارکرد خانواده و سیمای روانشناختی فرزندان شاهد، فصل نامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۱، سال چهارم.
- مجتهد زاده، فاطمه السادات؛ نیسی، عبدالکریم. (۱۳۸۸). مجله یافته‌های نو در روان شناسی. مقایسه اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارای نا پدری، نا مادری و پدر و مادر واقعی شهرستان اهواز.
- مکوندی، بهنام، نجاریان، بهمن، شکرکن، حسین (۱۳۷۵) مقایسه سازگاری دانش‌آموزان شاهد پسر با دانش-آموزان واجد و فاقد پدر در مدارس ابتدایی شهر اهواز، پژوهش‌های روانشناختی، شماره ۱ و ۲.

- Bibarz, T .Raftery, A. D (1994) family structure , educational attainment, and socioeconomic success: rethinking the pathology of patriarchy. AJS VOLUME 105 NUMBER 2, 321-65.
- Chartier, M.J., et al. (2001). Social phobia and potential childhood risk factors in a community sample. Psychological Medicine, 31: 307-315.
- Lewis, C. & O'Brien, M. (1987). Reassessing Fatherhood. Beverly Hills, CA: Sage.
- Mchlanahan, S. & Sandefur, G. (1994). Growing up with a single parent: What hurts, what helps. Harvard University Press: Cambridge, Massachusetts.
- Kierman, N. V., Nicholas, I., Pearson, J. & Kellam, S. (1995). "Household family structure and children's aggressive behavior: A longitudinal study of urban elementary school children". Journal of Abnormal Child Psychology, Vol. 23, 553-568.
- Kasen, S., Cohen, P., Brook, J. S. & Harkness, C. (1996). "A multiple-risk interaction model: Effects of temperament and divorce on psychiatric disorders in children". Journal of Abnormal Child Psychology, Vol. 24, 121-150.
- Thompson, E., and et al (1994) Family structure and child well being: Economic resources, Parental behaviours, social, forces, 73: 221-242.